



دیدگاه‌های هم‌ارزشی جنسیتی برای افزایش تعامل بانوان در طراحی شهری با تأکید بر اصول هستی‌شناسی افقی

مرجان عطارد^۱، بهروز منصوری^{۲*}

^۱ کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران، MarjanV294@yahoo.com

^{۲*} (نویسنده مسئول) استادیار دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران، beh.mansouri.iauctb.ac.ir

چکیده

استفاده از دیدگاه‌های جنسیتی در طراحی شهری در دهه‌های گذشته بسیار رواج یافته و منجر به ایجاد پروژه‌هایی تحت عنوان طراحی جنسیتی یا طراحی حساس به جنسیت شده است. زنان همیشه برای حضور در فضاهای شهری محدودیت‌هایی داشتند که این محدودیت‌ها ناشی از طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری و همچنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است. این هنجارها تنها فضای خانه و فضای نزدیک آن را متعلق به زنان می‌داند و آن‌ها به نوعی حق حضور پررنگ در جامعه را نمی‌دهد. لذا در این راستا، این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که چگونه به وسیله معماری می‌توان فضایی را ایجاد کرد که علاوه بر پاسخگویی به نیاز بانوان زمینه تعامل سازنده آن‌ها را فراهم کند؟ چگونه با استفاده از روش هستی‌شناسی افقی و استراتژی شیء بر شیء می‌توان به فضایی جذاب‌تر به نسبت روش‌های قدیمی دست یافت؟ هدف این طرح نادیده‌گرفتن نقش مردان و توجه مفرط به جایگاه بانوان نیست بلکه بهبود کیفیت حضور و تعامل آن‌ها با یکدیگر و جامعه است. روش تحقیق این پژوهش به صورت ترکیبی از روش «توصیفی-تحلیلی» و «روانشناسی بوم‌شناختی» در بستر پیمایشی است. در ابتدا قسمت کیفی مطالعه با استناد به منابع کتابخانه، چارچوب نظری پژوهش استخراج شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بهبود کیفیت حضور و تعامل بانوان با یکدیگر و جامعه.
۲. شناخت هستی‌شناسی افقی و به‌کارگیری آن به صورت گسترده در معماری.

سوالات پژوهش:

۱. فضای مورد نیاز بانوان به‌عنوان یک کنشگر اجتماعی باید دارای چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های باشد؟
۲. چگونه می‌توان با استفاده از روش هستی‌شناسی افقی و استراتژی شیء بر شیء به فضایی جذاب‌تر و فارغ از ارزش‌گذاری‌های جنسیتی نسبت به روش‌های قدیمی دست یافت؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۵۳۶ الی ۵۵۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

جنسیت،
هستی‌شناسی افقی،
تعامل بانوان،
تعارض جنسیتی،
طراحی شهری.

ارجاع به این مقاله

عطارد، مرجان، & منصوری، بهروز. (۱۴۰۲). دیدگاه‌های هم‌ارزشی جنسیتی برای افزایش تعامل بانوان در طراحی شهری با تأکید بر اصول هستی‌شناسی افقی. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۵۳۶-۵۵۶.



[dori.net/dor/20.1001.1.*
***** ***/](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.29135.1624)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2021.29135.1624](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.29135.1624)

مقدمه

تعارض بین زنان و مردان در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی و ... از جمله موضوعاتی است که در عصر حاضر شدت گرفته است؛ این در حالی است که فارغ از جنسیت، این تعارض‌ها در بین خود بانوان نیز به چشم می‌خورد. در جوامعی که مدام دستخوش تغییرات اجتماعی و فرهنگی هستند باید شرایط و فضاهای تعاملی را ایجاد کرد که دیدگاه‌ها و عملکردهای مختلف فارق از جنسیت بتوانند بروز داده شوند. همان‌گونه که دستورالعمل‌های حقوق بشر و اسلامی بیان می‌کند که تمام انسان‌ها از قبیل زن و مرد /سیاه و سفید و ... دارای حقوق برابر می‌باشد که نتیجه آن جامعه‌ای فعال و پویا می‌شود. در ایران و شهر تهران نقش زنان در عرصه‌های بسیاری نادیده گرفته شده است و فضای مناسبی برای آن‌ها برای بروز استعدادها و توانایی‌هایشان در نظر گرفته نشده است که نتیجه آن هدررفت و نابودی استعداد و انرژی بسیاری زنان مستعد و توانمند می‌شود. در معدود فضاهایی که برای بانوان طراحی و اجرا شده است نیز نیازهای آنان به درستی در نظر گرفته نشده است و آن‌ها برای حضور در آن‌جا علاقه‌مند نمی‌کند. از طرف دیگر، معیارهای زنان در طراحی و ضرورت حضور زنان در فضاهای شهری برای رفع نیازهای اجتماعی باید مورد توجه خاص قرار گیرد؛ زیرا زنان کانون خانواده محسوب می‌شوند و ارتقای سطح عزت‌نفس آن‌ها به ارتقای سطح فکری، جسمی و اقتصادی هر خانواده کمک می‌کند. در مکان‌های عمومی، یافته‌ها حاکی از عدم برخورداری زنان از منزلت‌های روحی و جسمی شایسته و آنچنان که استحقاق دارند می‌باشد که این خود باعث عدم تمایل بانوان در جامعه می‌باشد.

زنان همیشه برای حضور در فضاهای شهری محدودیت‌هایی داشتند که این محدودیت‌ها ناشی از طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری و همچنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی است. این هنجارها تنها فضای خانه و فضای نزدیک آن را متعلق به زنان می‌داند و آن‌ها به نوعی حق حضور پررنگ در جامعه را نمی‌دهد. در حالی که در صورت برنامه‌ریزی مناسب و ارائه شرایط و خدمات مناسب زنان می‌توانند به خوبی در جامعه حضور داشته باشند و به پیشرفت بسیاری عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی ... کمک به‌سزایی کنند. مشارکت زنان در نحوه ساماندهی، تغییر و تحول فضا می‌تواند به تسری حس امنیت و آسایش روحی در کالبد فضا کمک کرده و احساس تعلق به مکان را، برای ایجاد تعاملات اجتماعی زنان تقویت کند. بدین ترتیب بانوان برای حضور، هیچ معضل، ترس یا نگرانی نخواهند داشت و با آرامش خیال به جامعه وارد می‌شوند. برای حل این مشکلات، کوچک‌ترین کاری که از دستمان برمی‌آید ساخت کانونی است که بانوان به راحتی بدون نگرانی و دغدغه در آن حضور به عمل آورند و با یکدیگر تعامل سازنده‌ای داشته باشند. بدین منظور باید تمامی نیازهای زنان، توانمندی‌های آنان، تفاوت‌های زنان با مردان، عوامل حضور و عدم حضور آن‌ها در جامعه را شناسایی کرد. بر آن اساس، کانونی را طراحی کرد که این ویژگی‌ها در آن رعایت شوند و دیگر برای بانوان عوامل محدودکننده‌ای برای حضور وجود نداشته باشد و برعکس برای حضور و شرکت در این فضا تمایل داشته باشند.

در مورد هر کدام از متغیرهای این پژوهش، به صورت مستقل تحقیقاتی نگاشته شده که می‌توان به مباحثی پیرامون هستی‌شناسی مسائل زنان و عرصه‌های عمومی اشاره کرد. ملیحه ایزدی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان

واکاوی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه زنان مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر اصفهان در مجله جغرافیا و توسعه به بررسی و شناخت عوامل و شاخص‌های مؤثر در ارتباط با مطلوبیت و رضایت از فضاهای عمومی با تأکید بر دیدگاه زنان می‌باشد که براساس یافته‌ها و نتایج یک بررسی پیمایشی از منطقه ۴ شهر اصفهان به این صورت است که این عوامل در میزان رضایت‌مندی در فضاهای عمومی شهر از دیدگاه زنان می‌باشد و به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر رضایت‌مندی شهروندان شناسایی شدند. سجاذزاده و موسوی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «ابعاد چپستی‌شناسی و هستی‌شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی» در نشریه شهر ایرانی - اسلامی به بررسی تبیین «چپستی» و «هستی» شهر اسلامی با طرح این پرسش است که ابعاد چپستی‌شناسی (شناخت ابعاد ماهوی) و هستی‌شناسی (شناخت ابعاد وجودی) شهر اسلامی از منظر متون اسلامی (آیات و روایات) کدام است؟ باتوجه‌به، مفاهیم اساسی دین اسلام از قبیل وحدت، عدالت، امنیت، محرمیت، تواضع، طبیعت‌گرایی، شهر اسلامی را از نظر تأثیرپذیری این مفاهیم، می‌توان، به دو بُعد ماهیتی (چپستی) و وجودی (هستی) تقسیم کرد. بُعد ماهیتی به بررسی ابعاد و صفات هویتی و کالبدی و بُعد وجودی، به بررسی ابعاد تجلی حضور عناصر وجودی و کنش‌های فردی و جمعی مسلمانان، منطبق با اصول نام برده شده، در شهر اسلامی می‌پردازد.

هاشم زهی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های جایگاه زنان در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی در شهرهای ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: شهر زاهدان)»، به بررسی محورهای اصلی موردتوجه طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری به‌خصوص در حوزه فضاهای عمومی «پردازش به عدالت جنسیتی» در طراحی فضاهای شهری است. رابطه جنسیت و فضای شهری امروزه یکی از بحث‌های اساسی در عرصه جهانی است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر جایگاه زنان در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی در شهرهای ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: شهر زاهدان) می‌باشد. پژوهش حاضر، از نظر هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی است. نتایج آزمون تی‌تک نمونه‌ای جهت بررسی برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای عمومی در شهر زاهدان متناسب با جایگاه زنان در بعد (معنایی، فعالیتی، اجتماعی، کالبدی)، نشان از وضعیت نامناسب طراحی فضاهای عمومی متناسب با جایگاه زنان در این ابعاد می‌باشد. اسماعیلی جوربایی و رئیسی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «شیء‌محور» گراهام هارمن و تأثیر آن بر معماری هستی‌شناسی افقی تام ویسکامب در نشریه همایش مهندسی، تکنولوژی و علوم به بررسی در نتایج حاصل شده از این تحقیق نشان می‌دهد که معماری، فلسفه عملی نیست بلکه تاریخ خودش و مسائل خودش را دارد. فلسفه می‌تواند برای برانگیختن ایده‌های نو خوب باشد اما واردکردن مستقیم آن مفید نیست. این رویکرد گفتمان رابطه جزء و کل و مسئله ترکیب‌بندی را به شکل معاصر، به‌روزرسانی می‌کند. یک هستی‌شناسی افقی با امکان یک معماری اساساً فاقد سلسله‌مراتب روبه‌رو می‌شود. بدون آنکه به گفتمان سیالیت یا انفصال متوسل شود. در عوض مدلی برای یکپارچگی براساس مجموعه‌ای از اشیاء که با یکدیگر ارتباط دارند، ارائه می‌کند. مولایی و لطفی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش زنان در شکل‌گیری فضاهای شهری در نشریه علمی زن و فرهنگ»، به بررسی تعیین ضوابط و چهارچوب طراحی یا مدول از فضاهای شهری جهت زنان بود.

موسوی دارامودی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی «امنیت و حضورپذیری زنان در فضاهای عمومی شهر» پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد افزایش حضورپذیری بانوان موجب ایجاد امنیت در فضاهای شهری می‌گردد؛ چراکه با ایجاد تعادل جنسیتی در فضاهای شهری، برنامه‌ریزان و طراحان شهری را ملزم به بازآفرینی و ساماندهی مطلوب فضا برای هر دو جنس می‌کند. زمانی که این مهم شکل گیرد، حضور بیشتر بانوان در فضاهای عمومی شهری امنیت را در ابعاد گوناگون افزایش خواهد داد. یعنی لازم است حرکت دوسویه باشد، هم فضاهای شهری آماده حضور ایمن بانوان باشند که فرآیند آن حضورپذیری بیشتر بانوان و به تبع آن زمینه امنیت شهری بیشتر و بهره‌وری بیشتر از فضاها حاصل گردد.

در این پژوهش برای بررسی نقش عوامل کالبدی، عملکردی و مفهومی فضاهای شهری و تأثیر آن در بهبود کیفیت فضاهای تعاملی اجتماعات زنان با واکاوی آرای اندیشمندان دربارهٔ انگاره‌های هستی‌شناسی و فضاهای شهری، بن‌مایه‌های هستی‌شناسی و جایگاه زنان در فضاهای شهری روشن شده است. آنگاه با بررسی این بن‌مایه‌ها، معیارهای کیفی برای ارزیابی حضورپذیری فضا روشن شده است. روش این پژوهش، کمی - کیفی و توصیفی - تحلیلی است. قسمت کیفی مطالعه با استناد به منابع کتابخانه، مبانی نظری تحقیق شکل گرفته و چارچوب نظری پژوهش استخراج شده است.

۱. مبانی نظری

۱.۱. هستی

در قلب برداشت هایدگر از هستی، مفهوم «دیزاین» وجود دارد. منظور از این واژه به بیانی ساده، «وجود انسانی» است. یا چنانکه خود می‌گوید: «دازاین هستنده‌ای است که آن را در هستی‌اش همچون زندگانی انسانی می‌شناسیم». هستنده‌ای است که «در خاص‌بودگی هستی‌اش، ... هر یک از ماست». دازاین هستنده‌ای که هر یک از ما آن را در حکم بنیادین من هستیم باز می‌یابد. هایدگر میان رویکرد آنتیک و بینش آنتولوژیک (هستی‌شناسانه) تفاوت می‌گذارد و این تفاوت، یعنی «تفاوت هستی‌شناسانه» را مهم‌ترین تفاوت از یادرفتهٔ تاریخ متافیزیک می‌داند. دازاین، در رویکرد آنتیک، تنها به هستندگان می‌پردازد و «هستی» را فراموش می‌کند؛ در حالی که با رویکرد هستی‌شناسانه، هستی را اصل قرار می‌دهد و پرسش بنیادین را از یاد نمی‌برد (استراترن، ۱۳۸۹).

۱.۲. ریزوم

دلوز و گاتاری علاقه‌مند هستند که سرآغازهای نوینی به روی تجربه بکشایند و به ما اجازه دهند که به‌گونه‌ای متفاوت بیان‌دیشیم. دلوز به‌جای فراهم‌آوردن نظامی از واژه‌ها و ایده‌ها می‌خواهد پویایی و ناپایداری اندیشه را بیان کند (کولبروک، ۱۳۸۷). ماهیت فلسفهٔ دلوز/گاتاری ایلیاتی است. این فلسفه برخلاف فلسفه کلاسیک و ساختار باثباتش، فرآیندی دائماً در حال دگرگونی است. بدین ترتیب کیفیت فضایی غیردکارتی‌ای می‌آفریند، تا می‌خورد، باز می‌شود و

دوباره تا می‌خورد. این گوناگونی همیشگی درون‌مایه اصلی فلسفه آن‌هاست. آن‌ها در آثار خود ساختار درختی تاریخ فلسفه و اندیشه را مورد انتقاد قرار دادند و برای تبیین اندیشه‌های خود از ریزوم استفاده کردند. ریزوم، گونه‌ای خاص از ریشه گیاهان است که برخلاف دیگر گونه‌ها به شکل افقی رشد می‌کند. ریزوم در جهت افقی شروع به حرکت می‌کند و پس از طی مسافتی متوقف شده و گرهی ایجاد می‌شود که گیاه از آن نقطه و در جهت عمودی شروع به رشد می‌کند. این فرآیند دوباره و دوباره تکرار می‌شود. دلوژ و گاتاری باور داشتند که یک ریزوم در درون ساختار خود فاقد اولویت‌بندی است و همه‌چیز در آن از ارزشی یکسان برخوردار است. برخلاف یک ساختار درختی، هیچ نقطه‌ای در یک ساختار ریزومی بر نقطه دیگری برتری ندارد. بنابراین، ریزوم نماینده مفهومی افقی و غیر سلسله‌مراتبی است که در آن هر عنصر می‌تواند با دیگر عناصر در پیوند باشد، ریزوم پیوند ناهمگنی است میان پدیده‌هایی که ارتباطی میانشان وجود ندارد (روحی، ۱۳۹۴). عمودگرایی تا مرحله بودن پیش می‌رود و با پیدا کردن حضور معنادار در یک مجموعه متوقف می‌شود؛ درحالی‌که این مصادیق در افقی‌گرایی، پس از مرحله بودن به مرحله شدن یعنی تکامل و توسعه وارد می‌شود و نقشی پویا در حرکت رو به آینده می‌یابد (ارشاد، ۱۳۸۰). سپس مانوئل دلاندا، فیلسوفی که کرسی ژیل دلوژ را در دانشگاه ساس-فی در سوئیس دارد می‌آید. «هزار سال تاریخ غیر خطی» او به‌منظور تأکید ژیل دلوژ بر مفهوم اندیشه افقی در برابر مفهوم کلاسیک، اندیشه سلسله‌مراتبی و عمودی تاریخ را (که از بالا به پایین برنامه‌ریزی شده بود) به‌صورت غیرخطی یا افقی بررسی کرد (رئیس، ۱۳۹۴).

۱،۳. تاریخچه هستی‌شناسی افقی

از دهه هشتاد، گفتمان فلسفی کمک‌های نیرومندی به رشته معماری کرده است؛ از دی‌کانستراکشن «دریدا» در دهه هشتاد تا «فولد» دلوژ و گتاری در دهه نود. دهه هشتاد دو رویکرد اصلی در چگونگی اشغال فضا وجود داشت. دیاگرام مدرن و رویکرد پست‌مدرن. دیاگرام مدرن یا دیاگرام پلان آزاد / برش آزاد، یا همان پلان جهانی میس، فضایی یکپارچه با امکانات فضایی برابر است. رسیدن به این دیاگرام تنها با وجود پیشرفت‌های تکنولوژیک ساختمانی در پایان سده نوزدهم امکان‌پذیر شد. تا پیش از آن سازه‌های سنتی با جرزهای پهن مانع از ایجاد فضایی باز و یکپارچه می‌شدند و فضای معماری به ناچار فضایی تکه‌تکه و تقسیم‌بندی شده بود. دیاگرام پست‌مدرن با نقد این فضای یکپارچه و «یکنواخت» آن را با جداکننده‌هایی می‌پوشاند تا بتواند تنوع فضایی ایجاد کند. در دهه هشتاد پروژه‌هایی از معماران مختلف مسئله برش را به‌گونه دیگری مورد توجه قرار دادند. آن‌ها با نقد دیاگرام پست‌مدرن راه‌کار سومی برای اشغال فضا ارائه کردند و پروژه‌هایی کشیدند که امروز با عنوان پروژه‌های عروسک روسی شناخته می‌شوند. آن‌ها یکی بعد از دیگری درون هم قرار می‌گیرند. خانه فانزورث میس یک دیاگرام اولیه از معماری مدرن است و هدف آن تولید میدانی با پتانسیل‌های برابر می‌باشد. همه‌چیز برابر است، پلان آزاد؛ بنابراین تمام این فضا، فضای اصلی است و از بیرون به درون پیوسته است و هیچ تمایز فضایی وجود ندارد (روحی، ۱۳۹۴).

معماران پست مدرن هم این دیاگرام را به انتقاد گرفتند و به تقسیم‌بندی فضایی روی آوردند که در مقابل این‌ها گروه دیگری براساس دیاگرام مدرن دیاگرام جدیدی خلق کرد که به دیاگرام شیء بر شیء شهرت دارد. در دیاگرام شیء بر شیء در این نوع اشغال فضا، فضایی در میان فضای نخست قرار داده می‌شود. به‌عنوان تعریف معماری دیگر فضایی نبود که توسط یک پوسته احاطه شده باشد؛ بلکه فضایی است درون یک فضای دیگر. مثلاً یک مکعب براساس دیاگرام مدرن از مکعب یک برش عرضی می‌زنیم، نتیجه یک مربع خواهد بود ولی در دیاگرام شیء بر شیء مکعبی که شیء غیرمتجانس درون آن قرار داده شود، برش در این حالت جالب و غیرقابل پیش‌بینی است. این پروژه‌ها تعیین‌کننده یکی از مهم‌ترین لحظات تاریخ معماری‌اند، لحظه‌ای که معماری از وضعیت پوسته‌ای خود بیرون می‌آید و به شیء درون شیء دیگر تبدیل می‌شود (همان).

دهه نود نیز فولد دلو و گتاری به میان آمد (انقلاب دیجیتال با وجود دو بستر مفهومی و تکنولوژی امکان‌پذیر شد) که توجه‌ها را به خود معطوف کرد. در هزاره جدید چارچوب مفهومی جدیدی از فلسفه وارد معماری شد که گفتمان دلو و گتاری تضعیف شد. گفتمان فلسفی شیء‌محور گراهام هارمن هستی‌شناسی که بر پایه فروپاشی سلسله‌مراتب فضایی و دسته‌بندی عمودی تأکید دارد. بر پایه جهانی از اشیاء که در اشیاء دیگر پیچیده شده‌اند، بنیاد شده است (همان). در سال‌های آغازین دهه نود معماران دیگری با تأثیرپذیری از این آثار به کار با ایده شیء بر شیء پرداختند، بهرام شیردل، اندرو زاگو، جفری کیپنس و ولف پریکس از جمله این معماران بودند. بعدها تام ویسکامب سوپه اصلی کار خود را بر روی شیء بر شیء قرار داد و آن را به پیش برد و امروز همچنان به کار بر روی آن مشغول است. او در کار خود که آن را هستی‌شناسی افقی معماری می‌نامد، از پشتیبانی فلسفه شیء‌محور گراهام هارمن نیز بهره می‌جوید. فلسفه‌ای که بر هستی اشیاء به شکلی مستقل از ذهنیت انسان و جهان، به‌عنوان مجموعه‌ای از اشیایی که درون یکدیگر قرار دارند، تکیه دارد (همان).

۱،۴. هستی‌شناسی

طبق تعریفی کلی و اجمالی، هستی‌شناسی یا وجودشناسی یک شاخه‌ای از فلسفه است که به مطالعه هستی یا وجود می‌پردازد؛ یعنی اصل وجود هر عینیت یا ذهنیتی می‌تواند موضوع دانش هستی‌شناسی قرار گیرد؛ به بیان دیگر، هستی‌شناسی علم وجود است از آن جهت که وجود است و موضوعش مربوط به وجود محض است (صلیبا، ۱۳۶۶: ۶۶۰). با توجه به تعریف ارائه شده از هستی‌شناسی می‌توان چنین عنوان نمود که حل مسائل اساسی بسیاری از علوم، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، بستگی تام به پاسخ‌هایی دارد که به پرسش‌های بنیادین هستی‌شناختی داده می‌شود؛ تا جایی که هستی‌شناسی را مادر سایر علوم نامیده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹). لذا مسائلی چون شناخت‌شناسی، پدیده‌شناسی، ساختارشناسی، انسان‌شناسی و سایر مسائل مهم دیگر دانش‌های بشری، از جمله دانش معماری (در ارتباط با هستی‌شناسی و وجودشناسی طرح می‌شوند و پاسخ به آن‌ها در گرو پاسخ‌هایی است که به مسائل هستی‌شناسی داده می‌شود).

۱,۵. مفهوم سلسله‌مراتبی و عمودی

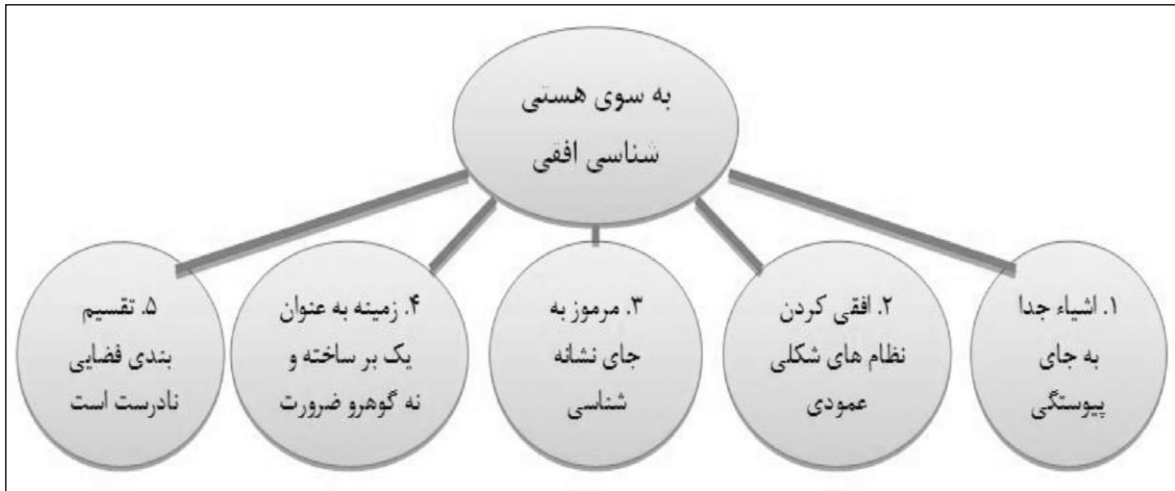
در استفاده از متغیر «سلسله‌مراتبی» و «عمودی» تمایز مهم بین این اصطلاحات نادیده گرفته می‌شود. استعاره از حالت عمودی اشاره‌ای به سلسله‌مراتب از بالا به پایین ندارد، بلکه بیشتر به رابطه‌ای اشاره دارد که ممکن است هم‌زمان «از پایین به بالا»، «از بالا به پایین» یا هر دو باشد. سلسله‌مراتب شکل خاصی از عمودی است که نشان‌دهنده روابط قدرت از بالا به پایین است. در جغرافیای فیزیکی و بوم‌شناسی، مقیاس‌ها اغلب به این ترتیب مفهوم‌سازی می‌شوند (شپرد و امسی مستر، ۲۰۰۴).

۱,۶. مفهوم هستی‌شناسی افقی

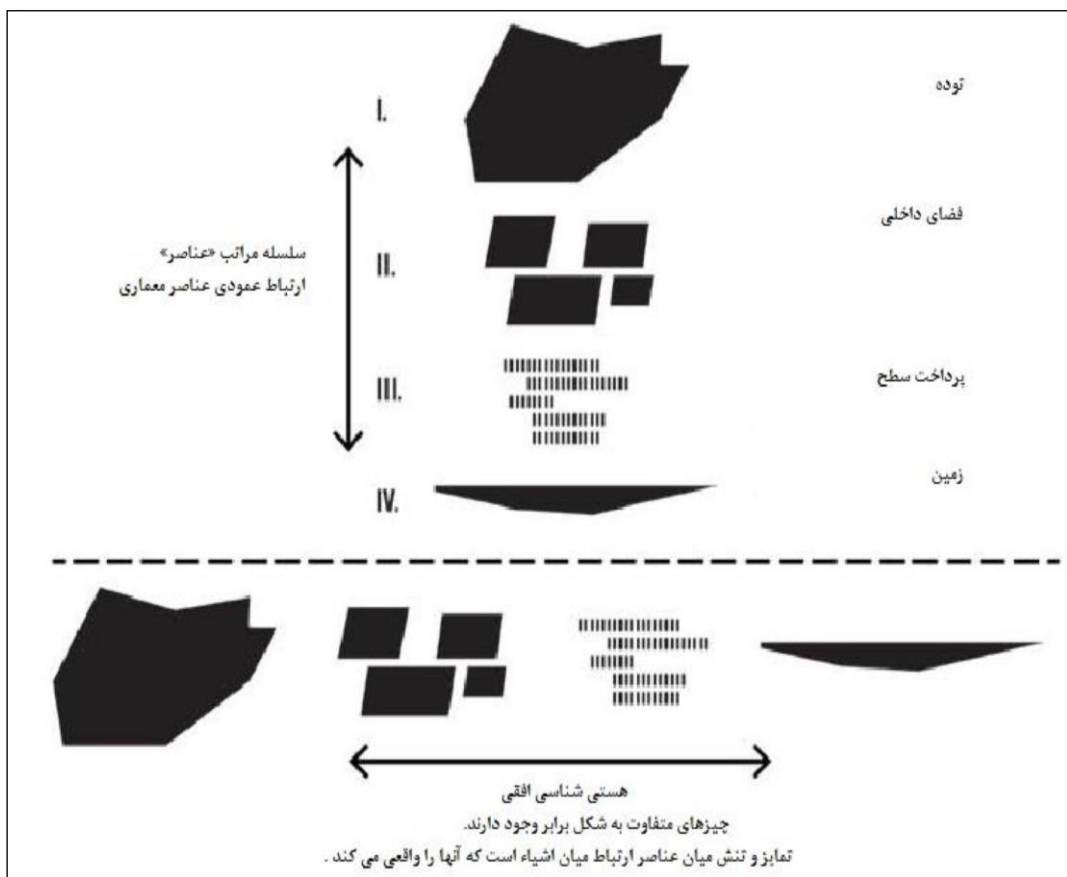
در نقطه مقابل مفهوم سلسله‌مراتبی و عمودی مفهوم افقی قرار دارد که هستی‌شناسی افقی از آن شروع می‌شود. در هزاره جدید چارچوب مفهومی جدیدی از فلسفه وارد معماری شد. گفتمان فلسفی شیء‌محور گراهام هارمن، هستی‌شناسی که بر پایه فروپاشی سلسله‌مراتب فضایی و دسته‌بندی عمودی تأکید دارد و بر پایه جهانی از اشیاء که در اشیاء دیگر پیچیده شده‌اند، بنیاد شده است (روحی ۱۳۹۳). ویسکامب کار خود را بر اساس فلسفه شیء‌محور هارمن به پیش می‌برد. از رویکرد اشغال فضا توسط تقسیم‌بندی فضایی دوری می‌کند و به اشیای پیچیده در اشیاء دیگر در قالب ایده شیء بر شیء و هستی‌شناسی افقی می‌پردازد. در هستی‌شناسی افقی چیزهای کامل از چیزهای کامل دیگر تشکیل شده‌اند و نه از اجزا. با استفاده از روش هستی‌شناسی افقی و استراتژی شیء بر شیء می‌توان به فضایی خواناتر و جذاب‌تر نسبت به روش‌های قدیمی دست یافت و بدون بازگشت به ترکیب‌بندی کلاسیک یکپارچگی خود را نگه‌داشت (اسماعیلی جوریابی و رئیس، ۱۳۹۴).

هستی‌شناسی افقی، هستی‌شناسی واقع‌گرایانه‌ای است مبتنی بر ماده و تثبیت اشیاء به‌مثابه سیستم‌هایی دینامیک در قالب ترکیب‌هایی هدفمند طبق شکل ۱ و ۲.

در این‌گونه از هستی‌شناسی اشیاء از همه نوع و در مقیاس‌های مختلف بدون تقلیل به اشیای دیگر و بدون وارد شدن در یک نظام مبتنی بر نهادهای فرادستی که در آن هیچ ردی از هیچ نوع ذات ابدی متعلق به خارج وجود ندارد، صرفاً به‌واسطه تعامل پویای درونی میان خود اشیاء با یکدیگر ترکیب می‌شوند (بصیرت، ۱۳۹۳).



شکل ۱. پنج نکته به سوی هستی شناسی



شکل ۲. هستی شناسی افقی

۲. اصل افقی‌گرایی در معماری اسلامی

با به‌کارگیری اصل افقی‌گرایی در معماری اسلامی، تمایز صورت بیانی نه‌تنها در فضا و نقوش و تزئینات معماری اسلامی نمود یافته، بلکه می‌توان گفت در نوع نگاه هنرمند مسلمان به پیرامون خود و شیوه تفکر او نیز ریشه دوانده است. در نظام عمودی، ارزش‌گذاری یکسان بر بخش‌ها و اجزای مختلف مجموعه در جهات گوناگون، امکان‌پذیر نیست و اجزاء دارای مفاهیم و ارزش‌های متفاوتی هستند. از این‌رو، در افقی‌گرایی، هنرمند از کاستی‌های دید انسانی (عمودی) عبور می‌کند و با نگاهی کلی‌نگر، از هرگونه محدودیت و مانعی فراتر می‌رود (اسلامی و دیگران، ۱۳۹۱). با نگاهی کلی در معماری اسلامی، منطق با تفکر عمودی، در کنترل ذهن و با تفکر افقی در خدمت ذهن است. تفکر عمودی به‌واسطه طبیعتش، نه‌تنها در تراوش ایده‌های نو کارایی ندارد بلکه کاملاً محدودکننده است. معمار در معماری اسلامی، هدف واقعی تفکر افقی را که خروج از دریای فاقد شکل و فرم، آشفتگی و بی‌نظمی و پا گذاشتن به ساحل ایده‌های نو و مؤثر است را برآورده می‌سازد (دیبونو، ۲۰۱۳). این آزادی امکان رسیدن به بی‌نهایت طرح را فراهم می‌کند که معمار در میان آن‌ها یکی را برمی‌گزیند؛ علاوه‌بر هنرمند، مخاطب نیز در ایفای کیفیت معماری در دیدگاه اسلامی نقش می‌نماید (اسلامی، ۱۳۹۰).

۳. تأثیر جنسیت در ادراک فضا

جنسیت به‌عنوان مؤلفه پنهان در ارتباط با فضای معماری، مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. جامعه‌شناسان بین جنس و جنسیت تفاوت قائل‌اند. جنس براساس تفاوت ویژگی‌های جسمی به‌وجود می‌آید؛ در صورتی که جنسیت معرف باورها و رفتارهایی است که مرد یا زن بودن را نشان می‌دهند و مفهوم آن در فرهنگ‌ها و طبقات مختلف اجتماعی تغییرپذیر است (هولمز، ۲۰۰۵). جنس و جنسیت با حدود بدن افراد تعریف نمی‌شود بلکه با مناسبات اجتماعی ارتباط دارد و از طریق فضا شکل گرفته و بسط پیدا می‌کند (تونکیز، ۲۰۰۶).

ساختار اجتماعی در کنار باورها و تصورات افراد در مورد مرد و زن بودن نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار جنسیتی آن‌ها ایفا می‌کند. مفهوم جنسیت در فرهنگ‌های گوناگون و طبقات مختلف اجتماعی تغییر کرده است. آن‌ها به شیوه‌های مختلفی مرد و زن بودن را نشان می‌دهند و به طرق گوناگون در زندگی افراد به‌کار می‌گیرند؛ به‌طوری‌که در تمامی فرهنگ‌ها انتظارات خاصی بر زنان و مردان تحمیل می‌شود (هولمز، ۲۰۰۵). به دلیل وجود تفاوت بین زن و مرد، از نظر جنسی و جنسیتی، زنان و مردان نیازهای متفاوتی دارند و بر مبنای این واقعیت زنان و مردان تجارب متفاوتی در مسیر زندگی دارند. تحقیقات به عمل آمده حاکی از آن است که به‌رغم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز فضایی، مردان و زنان، نه‌تنها به شیوه‌های متفاوتی از فضا استفاده می‌کنند، بلکه تجربه آن‌ها در رابطه با فضا نیز تا حدودی متفاوت است. زنان فضاهای شهری را به فضاهای امن و ناامن تقسیم می‌کنند. این امر باعث می‌شود، زنان در برخی از فضاهای شهری به تنهایی حرکت کنند، درحالی‌که ترجیح می‌دهند در برخی از فضاهای شهری تنها به همراه دیگران و یا توسط خودرو عبور کنند (استونسون، ۲۰۱۲).

۴. معنا و مفهوم شهر ایرانی - اسلامی

از آنجایی که شهر مجموعه‌ای زنده از کلیه اموری است که در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با زندگی ساکنان آن است، باید همه جوانب فرهنگی، اقتصادی، اقلیمی، سیاسی، زمانی، مکانی و تاریخی شهر توأمان مورد توجه قرار گیرند. از طرفی، در شهر ایرانی - اسلامی، این ویژگی‌ها باید در زمینه و بستر ایرانی و بر پایه تعالیم اسلامی و فرهنگی در جامعه اسلامی تبیین شوند (Bemanian, ۲۰۱۴: ۷۰).

یکی از مظاهر اسلام را می‌توان در شکل‌گیری شهرها در دوران مختلف تاریخی برشمرد (تهرانی و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۹۱). در شهرهای اسلامی فضای اجتماعی - کالبدی براساس قوانین و احکام اسلامی شکل گرفته و ساخت عینی و رفتاری آن معرف میزان اسلامی بودن آن‌هاست (محیط‌آرا و همکاران، ۲۰۱۸: ۳۶۱). شهر ایرانی - اسلامی، متشکل از مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی و برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط انسان با محیط (طبیعی و مصنوع) و با سایر هم‌نوعان خویش حاکم باشند. این اصول و ارزش‌ها از تعالیم اسلامی استخراج خواهند شد و دربردارنده عوامل مهم فرهنگ مایلند (که با آن‌ها در تضاد و تناقض نباشند) (Naghizadeh, ۲۰۰۰: ۱۶). در همین راستا، امروزه اختصاص فضاهایی ویژه بانوان در شهرهای اسلامی به‌عنوان یکی از راه‌کارهای تسهیل حضور و امنیت زنان در فضای عمومی به‌شمار می‌رود؛ موافقین آن را مصداق عدالت جنستی و مخالفین آن را به‌عنوان تبعیض جنسیتی در نظر می‌گیرند. در شهر اسلامی، زنان و مردان حق یکسان و برابری از استفاده از فضاها دارند، در مفهوم شهر اسلامی برای حضور زنان در شهر اسلامی تدابیر سنجیده‌ای وجود دارد. با در نظر گرفتن حقوق شهروندی کثرت‌گرا در جامعه مدنی امروز و رویکرد عدالت‌محور در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، زنان نیز همانند مردان باید از شرایط برابر برای حضور در فضای شهری برخوردار باشند. زنان در جامعه امروز ایران وارد عرصه‌های مختلف علمی، فنی و سیاسی و... شده و حضور خود را در تمام عرصه‌ها به اثبات رسانده‌اند. بنابراین حضور زنان در شهر و فضای شهری در جامعه امروز ایران امری اجتناب‌ناپذیر است (رضازاده و محمدی ۱۳۸۸: ۱۲). مشارکت زنان در امر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در طراحی فضاهای شهری باتوجه‌به مسئله ایجاد عدالت جنسیتی (رویکرد شهر اسلامی) از اهمیت بالایی برخوردار است (شکوهی دولت آبادی و همکاران ۱۳۸۹: ۱۲).

۵. جایگاه زنان در فضاهای شهری

فضای شهری با ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی، عرصه مطلوبی برای رشد جامعه فراهم می‌کند. هر محیط شهری مجموعه‌ای از ارتباطات متقابل میان عناصر محیطی و مردم است، ارتباطاتی که از الگوهای معینی پیروی می‌کنند (طالبی، ۱۳۸۳). فضای شهری بستری است که فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی در آن شکل می‌گیرند و روابط اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها با هم در این عرصه اتفاق می‌افتد (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸).

به لحاظ تاریخی، شهرها را مردان می‌سازند و اداره می‌کنند. در فرایند برنامه‌ریزی و سازماندهی فضای شهری هم نظیر دیگر حوزه‌های زندگی، زنان در حاشیه قرار داشته‌اند. به‌طور مثال، در ساخت شهرهای آمریکا به نقش زنان بسیار اندک توجه شده است (مدنی‌پور، ۱۳۸۴). مرور سفرنامه‌ها نشان‌دهنده آن است که جایگاه اصلی زن شهری ایران در دوران قاجار، بخشی از خانه به نام اندرونی بود و زنان به‌طور معمول در بخش بیرونی خانه حاضر نمی‌شدند (علیرضائزاد و سرائی، ۱۳۸۶). هویت مردانه و زنانه فضاها به‌واسطهٔ دوگانگی‌ها و تضادهایی ایجاد شد که جای زن را در خانه و جایگاه مرد را فضای بیرون خانه و قلمرو عمومی بیان کرد. هویت مردانه فضاهای عمومی، در غرب می‌تواند به دلیل توجه کم‌تر به زندگی روزمره و قلمروی محله‌ای و در عوض آن توجه و ارزش‌دادن به شغل و قلمرو عمومی ایجاد شده باشد (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸).

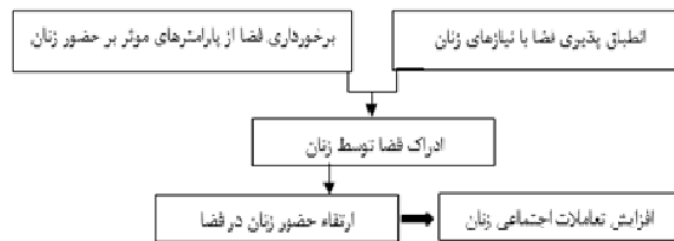
قلمروهای متفاوت برای زنان و مردان و ساخت شهرها به‌وسیلهٔ مردان که در آن نیازهای مرد موردتوجه قرار می‌گرفت منجر به خلق فضاهای جنسیتی شد». کارپ، استن و یولز «ماهیت جنسی‌شدهٔ فضای شهری را در نحوهٔ عملکرد فضای شهری در محدودکردن تحرک‌پذیری زنان می‌دانند، که به لحاظ فیزیکی با القای الگوهای حرکت و رفتار بر پایه ترس و دسترسی محدود شده و به لحاظ اجتماعی با انگاره‌هایی دربارهٔ نقش زنان در جامعه شهری عمل می‌کند (مدنی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲۶). فضاهای شهری، به‌عنوان تجلی‌گاه کالبد شهری، باید نیازهای اجتماعی شهروندان را برآورده سازد. معیارهای زنان در طراحی و ضرورت حضور زنان در فضاهای شهری برای رفع نیازهای اجتماعی باید موردتوجه خاص قرار گیرد. در مکان‌های عمومی یافته‌ها، حاکی از عدم برخورداری زنان از منزلت‌های روحی و جسمی شایسته است. مشارکت زنان در نحوهٔ ساماندهی، تغییر و تحول فضا می‌تواند به تسری حس امنیت و آسایش روحی در کالبد فضا کمک کرده و احساس تعلق به مکان را، برای ایجاد تعاملات اجتماعی زنان تقویت کند.

برخی فضاهای شهری بدون داشتن بناهای با عظمت و نشانه‌های خاص، به‌واسطهٔ نحوهٔ حضور مردم و تأثیرگذاری آنان بر محیط، هویت یافته و در خاطره‌ها زنده مانده‌اند. بنابراین بدنه‌های شهری خیابان‌هایی است که رفت‌وآمد گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی را در خود داشتند، و فضاهایی را پدید آوردند که در یک لحظه امکان برخورد انسان‌ها با هم و تبادل معنایی از محیط به فرد، از فرد به فرد دیگر، وجود داشته باشد. جهت حضور هرچه بیشتر مردم در فضاهای شهری، شاخص‌های فرهنگی-اجتماعی محلی تأثیرگذار، باید در نظر گرفته شوند.

۶. عوامل مؤثر بر حضور زنان

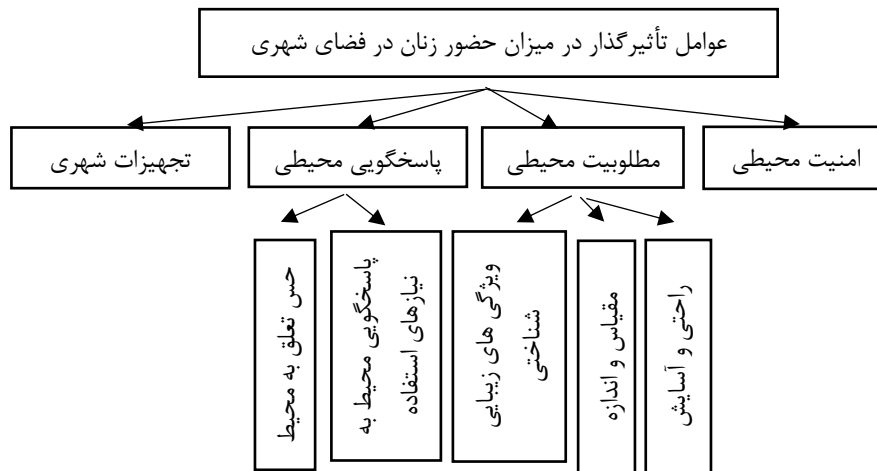
جهت تأمین نیازهای روحی زنان در فضاهای باز شهری باید از عناصر طبیعی بهره جست که سبب تلطیف روحیه فضا و مطلوبیت آن از دید عابران خواهد بود. این ویژگی در مجاورت فعالیت‌های فرهنگی و تفریحی و با ایجاد حس تعلق مکانی و آسایش روانی، زنان را به محیط دلبسته می‌سازند و برقراری روابط اجتماعی و رفتارهای جمعی را قوت می‌بخشند. مسئله ترافیک نیز از عوامل مؤثر در هویت فضا، برقراری روابط اجتماعی و ایجاد علاقه به حضور می‌باشد. در زمینهٔ فضاهای عمومی دسترسی به فضا، امنیت و ایمنی فضاها، فضاهای شلوغ و اختلاط کاربری‌ها، حضور دیگران

در فضا و تأمین نیازهای خدماتی زنان، نیازهای عمومی زنان در فضاهای عمومی شهری اند. بدین ترتیب، عواملی مانند: تعامل اجتماعی، طراحی و معماری فضا، امکان مشارکت در فضا، اجتماع‌پذیری فضا، امنیت و آزادی حرکت، هویت و داشتن خاطره جمعی، راحتی در فضا، وجود مناظر طبیعی، استفاده از عناصر منظر و بدنه‌های نیمه‌شفاف، تنوع فضا، امنیت در فضا، استفاده و فعالیت، وجود نظارت اجتماعی و دسترسی و نفوذپذیری فضا بر مطلوبیت فضاهای شهری از دید زنان و بر افزایش حضور آنها در فضای شهری تأثیرگذار هستند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸).



شکل ۳. عوامل تأثیرگذار بر افزایش تعاملات اجتماعی بانوان

فضای شهری باید امکان ایجاد فعالیت‌های اختیاری مانند قدم‌زدن برای تنفس هوای پاکیزه، ایستادن با هدف لذت‌بردن و یا نشستن و و فعالیت‌های اجتماعی مانند احوال‌پرسی و گفت‌وگو و... را فراهم آورد. بدین مفهوم که فضاهای عمومی شهری باید پتانسیل حضور گروه‌های مختلف اجتماعی را نه تنها با هدف پاسخگویی به نیازهای ضروری فراهم آورد، بلکه باید عرصه‌ای برای برقراری روابط اجتماعی و لذت از حضور در فضا را فراهم آورد. به عبارتی، دلیل حضور در فضا فراتر از مفهوم اجبار به قرارگیری در فضا خواهد بود. زنان به‌واسطه وظایف مراقبتی از کودکان، سالمندان و در ارتباط با فضای شهری قرار می‌گیرند؛ به عبارتی، برای انجام فعالیت‌های اجباری در فضای شهری حضور می‌یابند که باید فضاهای شهری این امکان را برای زنان فراهم آورند که به‌واسطه فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی در فضای شهری قرار گیرند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸). در نتیجه، در کنار معیارهای مطلوبیت محیطی و طراحی فضاهای پاسخگو به زنان، لازم است هنجارهای اجتماعی و فرهنگی که بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری تأثیرگذارند، مورد توجه قرار گیرد.



شکل ۴. عوامل تأثیرگذار بر حضور زنان در فضاهای شهری

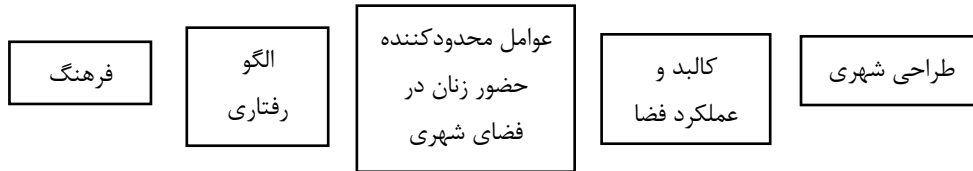
۷. عوامل محدودکننده حضور زنان در فضای شهری

عوامل کالبدی و طراحی فضاها و هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی از جمله عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری هستند. عوامل محدودکننده‌ای مانند خطر و ترس، مهم‌ترین عناصر در تجربه زنان در فضای شهری هستند که استفاده زنان از فضای شهری را محدود می‌نمایند. هرچند مواردی هم وجود دارند که فضای شهری را به‌عنوان یک ضرورت، تنوع و یک عنصر رهایی‌بخش برای زنان و به‌عنوان پتانسیل یادآور می‌شوند (کرینچین، ۲۰۰۴). کریستن دی مواردی از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی را که بر کاهش حضور زنان در فضاهای شهری تأثیرگذار هستند، ارائه داده است: «هنجارهای جنسیتی تأثیرگذار بر رفتارهای عمومی زنان، نیازمند آنست تا زنان با دیگران در فضاهای عمومی دوستانه برخورد نمایند. این موضوع محدودیت‌هایی را برایشان ایجاد می‌کند. ایده آرمانی زنان مبنی بر ارجح‌شمردن دیگران، منجر می‌شود، زنان نیازها و ترجیحات دیگران را در فضای عمومی متقدم شمارند. تفکیک فعالیت‌ها، مسئولیت‌های خانگی زنان را افزایش داده و منجر به محدود شدن استفاده زنان از فضای عمومی می‌شود».

کریستن دی محدودیت‌ها را شامل عواملی می‌داند که میان فعالیت‌های زنان در فضاهای عمومی و تجارب آن‌ها و رضایت استفاده از فضاهای عمومی (شامل لذت، ترجیح، مشارکت و معنا) فاصله می‌اندازد. وی معتقد است محدودیت‌ها شامل منابع محدود مانند پول و تحرک، احساسات بازدارنده مانند ترس و استرس، مسئولیت‌های بازدارنده و سنگین مانند کار در منزل و نگهداری از کودکان و همچنین موقعیت‌ها و هنجارهای مؤثر اجتماعی مانند اصول و هنجارهای محدودکننده جنسی و یا طراحی و برنامه‌ریزی غیرحساس به موضوع است (دی، ۲۰۰۰).

یکی دیگر از عوامل محدودکننده زنان، دسترسی نامناسب در شهر، به فضاهای شهری است. زنان برای انجام فعالیت‌های اجباری و برای ملاقات‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه بیشترین استفاده‌کنندگان از مراکز شهری‌اند. با این حال،

عمده تأکید در طراحی این مناطق بر پارکینگ اتومبیل است و وسایل نقلیه عمومی یا مراکز نگهداری از کودکان، زمین بازی و... که برای زنان مسائل بزرگی هستند (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸).



شکل ۵. عوامل محدودکننده حضور زنان در فضای شهری

۸. بررسی نمونه‌ها و تجارب داخلی و خارجی مرتبط با پژوهش

	<p>پروژه مرکز گرد همایی تارا ۹۰ درجه چرخیده است. بجز هندسه فولد، (دیگرام زین آسبی). شباهت ساختار فضایی معابد بودایی با ساختار فضایی پروژه تارا. فرم ساختمان، نشان دهنده زیبایی شناسی سنتی و مدرن در بستر خود. کاملاً منحصر به فرد و غیر تقلیدی. مجموع فرم بسیار پیچیده و پیشرو</p>	<p>پروژه مرکز گرد همایی تارا</p>
	<p>این بنا در سال ۲۰۰۷ توسط ای استودیو طراحی و ساخته شده است و دارای ۷۷۸ متر مربع می باشد. ایجاد مسیرها و مناطقی برای اجتماع اجتماعی توسط رمپ ها و پله هایی است که تا نرده ها، کف و دیوارها حاوی و بزرگنمایی پوشش گیاهی موجود باشد. همه از اهداف یک یکپارچه بشونی در معرض دید قرار گرفته اند. غرفه ای برای سرگرمی در آن قرار دارد، که با تفریق، باز می شود. ببه میلمان مختلفی که به بداهه پردازی کاربرد پاسخ می دهند شکل دهد. بنابراین، از یک ماده واحد، بتن، منجر به تلفیق مصنوعی با روش طبیعی و ظریف در محوطه سازی شده اند.</p>	<p>مرکز گرد همایی با رویکرد هستی شناسی</p>
 	<p>این بنا توسط شارون دیویس در کاپوتزا، رواتدا برای مسئول بین الملل زنان طراحی و اجرا شده. بودجه این پروژه ۱,۰۰۰,۰۰۰ دلار بوده است و در سال ۲۰۱۱ به پایان رسیده است. طراحی اخیراً در جشنواره جهانی معماری به مقام دوم دست یافته سازمان بین المللی زنان، یک سازمان غیرتلفاعی مستقر در واشنگتن دی سی است، که می خواهد زنان بازمانده از جنگ و نسل کشی را توانمند سازد، این شرکت را برای ساخت یک پردیس آموزشی در روستای رواتدا در اواخر سال ۲۰۰۸ این پروژه را سفارش داد. انرژی این مرکز با انرژی بیوگاز در محل تأمین می شود و از سوخت سنتی هیزم جمع شده و از رواتدا که منجر به جنگل زدایی بی رویه در کشور شده است، اجتناب می کند. این طراحی نشان داد که چگونه از یک طراحی سقف منحصر به فرد برای حوضه آبریز باران استفاده می شود. همچنین چطور مرکز فرصت از چندین ساختمان کوچکتر مشکل شده، به طوری که شبیه یک دهکده سنتی رواتدا است، برای تولید مصالح ساختمانی پایدار، آنها فرآیند ساخت آجر را در یک همکاری محلی تولید آجر تصفیه کردند و به فارغ التحصیلان برنامه های توانمند سازی زنان برای زنان بین المللی ساخت آجر را آموزش دادند. تمرکز مرکز فرصت را بر پایداری، توانمند سازی زنان و استفاده از طراحی برای تحریک تغییرات مثبت بستودند. شامل فضاهای اجتماعی از کلاس های صمیمی گرفته تا بازار کشاورزان و محل اقامت مهمان. و برنامه ابتکاری شامل یک منطقه تظاهرات، کمک به زنان محلی برای تولید و بازاریابی کالاهای خود می شود و با این کار به اقتصاد محلی کمک می کند. " مرکز فرصت های زنان در سال ۲۰۱۲ تکمیل شده و همزمان به ۲۰۰ زن خدمت می کند</p>	<p>مرکز فرصت های زنان</p>

	<p>این بنا که در سال ۲۰۱۹ توسط استودیو رووت و باز براگا برای دانشگاه موزابیک طراحی و اجرا شده است دارای مساحت ۱۲۹۱۶ فوت مربع می باشد. از سپتامبر ۲۰۱۸ تا آوریل ۲۰۱۹ معمار بوتو ساپرو تیم او رووت استودیو با همکاری معمار باز براگا در زمینه طراحی و نظارت بر اجرای آکادمی ای که توسط یک سازمان غیر انتفاعی استفاده می شود (حرکت دختران) ، مدل جدید آموزش با توانمند سازی زنان در زمینه های آسیب پذیر را طراحی و اجرا کرد. آکادمی حرکت زنان سالانه ۳ برنامه اصلی را به حدود ۱۱۳۰ دختر و زن ارائه می دهد، هنگامی که بیشتر در معرض خطر هستند، مداخله می کند. باو، رهبری و تغییر به دختران امکان دسترسی به رهبران مرجع و عوامل تغییر مثبت را می دهد.</p>	آکادمی حرکت دختران
	<p>در فرم کلی این اثر به صورت کلی از رویکرد هستی شناسی افقی اتخاذ شده است. این پروژه دارای چهار سالن سینما است که هر کدام از سالن ها ۲۸۰ نفر ظرفیت دارد و یک سالن نمایش کوچک نیز با ظرفیت ۳۰ نفر وجود دارد که به همراه فضاهای نمایشگاهی، فروشگاه کتاب و محصولات فرهنگی، رستوران و کافی شاپ و فضا های اداری و خدماتی در زیر بنای ۱۵۰۰۰ مترمربع ساخته شده است و در ساعات اوج، در حدود ۲۵۰۰ نفر را در خود جای می دهد. این بنا در سال ۲۰۰۸ توسط مهندسان مشاور حرکت سیال در تهران به مساحت ۶۰۰۰ مترمربع طراحی و اجرا شد. دستاورد اصلی این پروژه این است که محل خوبی برای گفت و گو و تبادل نظر، رویداد های متنوع فرهنگی و اجتماعی و اجرای مراسمات مختلف، ایوان سرپوشیده بزرگی است که از اتصال شیب گردان دو سالن نمایش در امتداد یک دیگر ایجاد شده است. زمین اجرای پروژه دارای فرم کشیده و نامعین است</p>	پودیس سینمایی ملت
	<p>از نمونه های موجود در زمینه بانوان میتوان به بوستان بانوان تهران اشاره کرد که با مساحت فضایی ۲۷ کیلومتر مربع در بزرگراه آزادگان قرار دارد و بیشتر به عنوان ورزش و پیاده روی و حضور بانوان به دور از محدودیت های شرعی و... است.</p>	بوستان بانوان
	<p>از نمونه های فرهنگی هم میتوان به فرهنگسرای بانو که با نام فرهنگسرای سرو شناخته می شود واقع در خیابان ولیعصر در انتهای پارک سعادت اشاره کرد که در سال ۱۳۸۰ با حدود ۳۵۰۰ متر با هدف تکثیر و تجلیل از جایگاه زن و کشف استعداد های آنها شروع به کار کرد.</p>	فرهنگسرای بانو

نتیجه گیری

در این تحقیق باتوجه به مطالعات صورت گرفته در رابطه با هستی‌شناسی افقی به این نتیجه می‌رسیم که امروزه فضاها باید طوری طراحی شوند که قابلیت انعطاف‌پذیری داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که جوابگوی تفاوت‌های بی‌شمار باشد. فلسفه شیء بر شیء باعث شده اشیاء در رابطه با ایجاد جذابیت برای مخاطبان و حس یک فضای جدید داشته باشد. به‌نحوی که مقابل سنت گذشته و مبنایی متفاوت از ساختار شکنی گذشته است سبک جدیدی از فرم‌گرایی، به‌وجود آید. اما به‌نحوی که فضاها خوانایی دارد و همچنین ایجاد ارتباط بین مخاطبان و فضای معماری باتوجه به کاربری‌های خاص آن بدون تفکیک فضایی به سبک روتین مدرن و پست‌مدرن خواهد بود. در این روش به فرم‌های مختلف جهت فرم پژوهی دست پیدا خواهیم کرد (مورفولوژی فرم). یک هستی‌شناسی افقی با امکان یک معماری اساساً فاقد سلسله مراتب روبه‌رو می‌شود. بدون آنکه به گفتمان سیالیت یا انفصال متوسل شود. همه این موارد باعث رفع تبعیض‌های جنسیتی در این محیط می‌شود.

پس از انجام مطالعات و بررسی‌های مربوط به زنان به این نتایج رسیدیم، عواملی که موجب حضور بیشتر زنان در فضاهای شهری و برقراری تعاملات اجتماعی آنان می‌گردد، عبارت‌اند از: ۱. امنیت؛ ۲. دسترسی؛ ۳. آسایش؛ ۴- پویایی و جذابیت؛ ۵- هم‌آوایی با طبیعت؛ ۶. تجهیزات شهری؛ ۷. آموزش و شکوفایی استعدادها؛ ۸- فضایی با حس همدلی و عدم وجود تعارض جنسیتی.

مشارکت زنان و توجه به نیازهای آنان در نحوه ساماندهی و تغییر و تحول فضا می‌تواند به تسری حس امنیت و آسایش روحی در کالبد فضا کمک کرده و احساس تعلق به مکان‌های شهری را تقویت کند. بدین ترتیب توجه به حضور زنان و نیازهای اجتماعی آن‌ها در ارتقای کیفی منطقه کمک به‌سزایی خواهد کرد. موارد محوری عبارت‌اند از:

امنیت محیطی: تأمین امنیت روزانه و شبانه شامل تأمین نور کافی، دید مناسب و دسترس مناسب به مراکز امن، شناسایی مکان‌های آسیب‌پذیر و افزایش تردد در آن‌ها، عدم وجود تبعیض جنسیتی؛

پاسخ‌دهندگی محیطی: تأمین پاسخ‌دهندگی محیطی فضا به نیازهای زنان و گروه‌های تحت مراقبت آن‌ها شامل تأمین تأسیسات و تجهیزات لازم در برنامه‌ریزی فضاها، ایجاد فضای مناسب برای کودکان، تأمین دسترسی‌های مناسب به فضا، حفظ عدالت فضا و ... ؛

مطلوبیت محیطی: تأمین مطلوبیت محیطی فضا برای زنان شامل افزایش پاکیزگی محیطی، طراحی مناسب و توجه به ویژگی‌های زیباشناختی، افزایش امکانات جهت حضور شبانه و

تجهیزات شهری: تأمین تأسیسات و تجهیزات لازم شامل احداث سرویس بهداشتی، تأمین دسترسی به وسایل نقلیه عمومی در ساعات مختلف روز، انعطاف‌پذیری در تجهیزات و مبلمان شهری که به دل‌پذیری فضا منجر می‌شود. مورد مشکلات محورهای دسترسی و تداخل سواره و پیاده و ترافیک محیطی که موجبات ناکارآمدی فضا می‌شود. ارتقای کالبدی بافت، باعث افزایش کیفیت محیط و در نتیجه حضور شهروندان و ارتقاء امنیت در سطح محله شده است و این خود به‌صورت هم‌افزا کیفیت‌های محیطی و اجتماعی را در پی خواهد داشت. در جدول زیر این موارد و راه‌کارهای پیشنهادی به اختصار آورده شده است.

مطالعات زیست محیطی	پهنای محیط زیست شهری	کاهش منابع آلودگی هوا و صدا، افزایش ایمنی، توسعه فضای سبز و باز، کاهش تراکم و ازدحام، آرام سازی محله های مسکونی و ...	تعمیرات مختلف برای فصول مختلف	تعمیرات مختلف برای فصول مختلف: اتخاذ تمهیداتی نظیر امکان برپایی فضای برای دستفروشان، وجود فعالیت های تفریحی و سرگرم کننده در فضای خیابان و امکان برپایی بازارها در ایام تعطیل و ... در تمامی فصول سال موجب موفقیت یک پیاده راه به عنوان یک فضای شهری می شود.	حداکثر استفاده از گیاهان، آب و عناصر و مصالح طبیعی در بهسازی و مبلمان پیشنهادی طراحی اجزای محدوده پیاده جهت استفاده بهینه از نور طبیعی یا توجه به نوع اقلیم طراحی بدنه های پیاده راه همساز با بناهای همجوار و خط آسمان و اقلیم و تغییرات آن استفاده از مواد و مصالح بومی و همساز با اقلیم در جزئیات مصنوع پیاده راه
مطالعات اجتماعی و فرهنگی	پیاده و وضع خرید و خدمات	ساماندهی پیاده راه ها یکی از عوامل موثر در رونق مراکز خرده فروشی سنتی و جدید و دسترسی آسان به خدمات جزئی وای ضروری روزمره محسوب می شود.	مدیریت فعال؛ وجود یک نهاد مدیریت فعال بر یک فضا از عوامل موفقیت آن فضا به شمار می رود. این مدیریت تنها شامل تامین ایمنی و نظافت محیط نمی باشد، بلکه برنامه ریزی فضا به منظور انجام فعالیت های روزانه را نیز شامل می شود.	رعایت نقطه نظرات اکثریت کاربران محدوده از طریق نظرسنجی و مشارکت دادن آنان توجه به زیرساخت های موجود با در نظر گرفتن توسعه های آتی و چشم اندازهای بصری حفاظت از بناهای پارزش تاریخی در پیاده راه و یا توسعه محدوده های پیاده حول این ابنه تمرکز بیشتر بر ایجاد و توسعه پیاده راه ها در محلات شکل گرفته تا مناطق شهری نوساز	
زمینه ها	انضباط کلی	عملکرد	مدیران و مشاوران	توضیحات	اصول طراحی
مطالعات آمایشی راه و شبکه	پیاده و مدیریت ترافیک	تحرک رفت و آمد در مراکز شهری، تشویق استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، دگرگونی در الگوی رفت و آمد، توسعه پارکینگ های عمومی و ...	دسترسی مناسب	دسترسی مناسب: پیاده راه های موفق به راحتی توسط حمل و نقل عمومی قابل دسترسی هستند و در ضمن تعداد مناسبی پارکینگ اتومبیل در اطراف آن ها وجود دارد. این خیابان به خوبی حرکت پیاده را پشتیبانی می کنند پیوستگی: یک پیاده راه باید مسیری پیوسته و مجهز به مبلمان و تزیینات مناسب باشد و مقطع نباید تا عبور پیاده را به حرکت تشویق کند.	توجه کلی به مکتوبات یک محدوده پیاده بر اساس حداکثر ارتباط با پلنت محله ایجاد تسهیلات لازم در اطراف پیاده راه جهت جلوگیری از اختلال در حرکت سواره
مطالعات کاربردی	پیاده و فضای شهری	ساماندهی پیاده راه ها یا فضاهای پیاده، یکی از ابزار موثر برای بهسازی سبما و منظر شهری محسوب می گردد.	جذابیت خوانایی و تنوع	جذابیت: وجود فعالیت های مختلف سبب مراجعه مداوم مردم به یک فضا می شوند. بنابراین در نظر گرفتن طیف وسیعی از فعالیت ها برای گروه های مختلف سنتی، مردان، زنان و زمان های مختلف شبانه روز لازم و ضروری به نظر می رسد. خوانایی و تشخیص: خوانایی و تشخیص یکی از معیارهای خلق فضای شهری موفق می باشد. خلق تصویر مطلوب از یک فضا نیازمند نگهداری مناسب از آن فضا می باشد که خود منجر به ایجاد حس تشخیص در محیط می گردد.	توجه به الگوها و روش های رایج ساخت و ساز در پلنت موجود و پیرامونی پیاده راه توجه به مقیاس انسانی در کلیه مراحل مکتوباتی و طراحی و در تمامی جزئیات

تولید زندگی اجتماعی و فرهنگی	گسترش پیاده راه ها زمینه آن برای بالا بردن کیفیت زندگی اجتماعی و غنا بخشیدن به فضاهای شهری به حساب می آید.	وجود لبه های فعال:	وجود لبه های فعال: طبقات همکف چتره پیاده راه می بایست با مقیاس انسانی طراحی شوند و امکان تداوم فعالیت آن فضاها به فضای پیاده راه وجود داشته باشد. به عبارت دیگر فعالیت های موجود در چتره پیاده راه باید از توفیق پذیری فیزیکی و بصری برخوردار باشد.	به حداکثر رساندن تنوع کاربری ها در محدوده پیاده و با رعایت اصل سازگاری
------------------------------	--	--------------------	---	--

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- ارشاد، محمدرضا. (۱۳۸۰). اندیشه‌های فلسفی در پایان هزاره دوم: گفتگو با دکتر محمد ضیمران. تهران: انتشارات هرمس.
- دیبونو، ادوارد. (۲۰۱۳). تفکر نوین: استفاده از تفکر افقی در تراوش اندیشه‌های نو، ترجمه: ضیاءالدین رضاخانی، تهران: نشر کویر تهران.
- روحی، پویان. (۱۳۹۳). روایت‌های آوانگارد (گفتگو با استادان مؤسسه معماری کالیفرنیا جنوبی)، تهران: انتشارات کسری.
- لنگ، جان. (۱۳۸۶). طراحی شهری گونه‌شناسی رویه‌ها همراه با بیش از پنجاه مورد خاص. مترجم: حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۴). طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی. چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. مترجم: فرشاد نوریان، چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

مقالات

- اسلامی، سیدغلامرضا. (۱۳۸۰). «فرآیند تولید و توسعه درون‌زا». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰.
- اسلامی، سیدغلامرضا و شاهین‌راد، مهنوش. (۱۳۹۱). «بازشناسی اصل افقی‌گرایی در معماری اسلامی». فصلنامه کیمیای هنر، شماره ۲.
- اسماعیلی جوریابی، فاطمه؛ رئیسی، ایمان. (۱۳۹۴). «فلسفه شیء‌محور گراهام هارمن و تأثیر آن بر معماری هستی‌شناسی افقی تام ویسکامب». دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، دبی، مؤسسه سرآمد همایش کارین.
- بصیرت، آرش. (۱۳۹۳). «دموکراسی اشیاء: بررسی نظری معماری ویسکامب». فصلنامه همشهری معماری. شماره ۲۸.
- رضازاده، راضیه و محمدی، مریم. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل محدودکننده حضور زنان در فضاهای شهری». هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، ۱۱۴-۱۰۵.

رفیعیان، مجتبی و همکاران. (۱۳۹۰). «امکان‌سنجی ارتقاء کیفیت محیط از طریق پیاده‌راه‌سازی محورهای شهری مورد: محور خیابان ارم بخش مرکزی شهر قم. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۱، ۵۶-۴۱. روحی، پویان. (۱۳۹۴). بینا معماری، با نگاهی بر تبارشناسی پروژه‌های عروسک روسی. منتشر شده در کتاب «نظربازی».

شکوهی دولت‌آبادی، محمود و مسعود، محمد. (۱۳۸۹). «پیاده راه عاملی برای افزایش سرمایه اجتماعی». نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱.

طالبی، ژاله. (۱۳۸۳). «روابط اجتماعی در فضاهای شهری». دو فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، ۱۸۰-۱۶۱. علیرضائزاد، سهیلا؛ سرائی، حسن. (۱۳۸۶). «زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن». دو فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰، ۱۴۹-۱۲۱.

معینی، محمدمهدی. (۱۳۸۵). «افزایش قابلیت پیاده‌مداری، گامی به سوی شهری انسانی‌تر». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، ۱۶-۵.

منابع لاتین

Assiter, A. (۲۰۱۵). Kierkegaard, eve and metaphors of birth. Rowman & Littlefield International, London

Bogost, I. (۲۰۱۲). Alien phenomenology or what it is like to be a thing. University of Minnesota Press, Minneapolis, London

Burns MO'N. (۲۰۱۵). Kierkegaard and the matter of philosophy—a fractured dialectics. Rowman & Littlefield International, London

Burns MO'N. (۲۰۱۰). The hope of speculative materialism. In: Smith A, Whistler D (eds) After the postsecular and the postmodern—new essays in continental philosophy of religion, 1st edn. Cambridge Scholars Publishing, Newcastle, pp. ۳۱۶-۳۳۵

Berman, H.M., Westbrook, J.D., Fen, Z., Gilliland, G., Bhat, T.N., Weissig, H., Shindylov, I.N. and Bourne, P.E. (۲۰۰۰). the protein data bank. Nucleic Acids Res., ۲۸, ۲۳۵-۲۴۲

Bourne, P.E., Berman, H.M., McMahon, B., Watenpaugh, K., westbrook, J. and Fitzgerald, P.M.D. (۱۹۹۷) The macromolecular CIF dictionary. Meth. Enzymol., ۲۲۷, ۵۷۱-۵۹۰.

Day, K. (۲۰۰۰). "The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space", Journal of Environmental Psychology, ۲۰, pp. ۱۰۳-۱۲۴.

- Gamma, E., Helm, R., Johnson, R. and Vlissides, J. (۱۹۹۴). Design patterns, Elements of Reusable Object-Oriented software. Addison-Wesley, Reading, MA ..
- Harman, G. (۲۰۰۲). Tool-being—Heidegger and the metaphysics of objects. Open Court, Chicago and La Salle.
- Harman, G. (۲۰۰۵). Guerrilla metaphysics—phenomenology and the carpentry of things. Open Court, Chicago and LaSalle
- Harman, G. (۲۰۰۹). Dwelling with the fourfold. Space and culture, vol. ۱۲ (۳). Sage Publications, pp. ۲۹۲-۳۰۲.
- Harman, G. (۲۰۱۰). Time, space, essence and eidos: a new theory of causation. cosmos and history. J Nat Soc Philos ۶(۱):۱-۱۷.
- Harman, G. (۲۰۱۰b) Towards speculative realism—essays and lectures. Zero Books, Winchester & Washington.
- Harman, G. (۲۰۱۱). The quadruple object. Zero Books, Winchester, UK, Washington, USA.
- Harman, G. (۲۰۱۶). Immaterialism: objects and social theory. Polity Press, Cambridge
- Harman, G. (۲۰۱۷). Object-oriented ontology: a new theory of everything. A Pelican Book, Penguin Random House, UK.
- Harman, G. (۲۰۱۹). Editorial Introduction for the Topical Issue “Object-Oriented Ontology and its Critics”. In: Open Philosophy (۲۰۱۹). ۲ De Gruyter pp. ۵۹۲-۵۹۸
- Heidegger, M. (۱۹۷۳). Art and space (trans: Seibert CH). <https://pdflibrary.files.wordpress.com/۲۰۰۸/۰۲/art-and-space.pdf>
- Islami, SG. (۲۰۱۱). “Acquiring the Essence of Truth in Educational Impacts of Place Formation”, International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning.
- Kierkegaard, S. (۱۸۴۳/۲۰۰۹d). Fire Opbyggelige Taler ۱۸۴۳, Søren Kierkegaards skrifter. Elektronisk version ۱,۴ Søren Kierkegaard Forskningscenteret, København (abbr. SKS^o).
- Kierkegaard, S. (۱۸۴۷/۲۰۱۱). Kjerlighedens Gjerninger: Nogle christelige Overveielser i Talers Form—Søren Kierkegaards skrifter. Elektronisk version ۱,۶ Søren Kierkegaard Forskningscenteret, København (abbr. SKS^o).
- Kierkegaard, S. (۱۹۹۲). Eighteen upbuilding discourses - Kierkegaard's Writings, V(ed. and trans: Hong HV, Hong EH). Princeton University Press, Princeton.

- Kierkegaard, S. (۱۸۴۹/۲۰۱۲). *Sygdommen til Døden: En christelig psykologisk Udvikling til Opbyggelse og Opvækkelse—Søren Kierkegaards skrifter*. Elektronisk version ۱,۷, Søren Kierkegaard Forskningscenteret, København (abbr. SKS۱۱).
- Kierkegaard, S. (۱۹۶۸). *Concluding Unscientific Postscript* (trans: Swenson DF, Lowrie W). Princeton University Press, Princeton.
- Kierkegaard, S. (۱۹۸۰). *The sickness unto death: a christian psychological exposition for upbuilding and awakening—Kierkegaard's Writings, XIX* (ed. and trans: Hong HV, Hong EH). Princeton University Press, Princeton.
- Krenichyn, (۲۰۰۴). *Women and Physical Activity in an Urban Park: Enrichment and Support through an Ethic of Care*, *Journal of Environmental Psychology*, ۲۴, pp. ۱۱۷-۱۳۰.
- Leyden, K. (۲۰۰۳). *Social Capital and the Built Environment: The importance of Walkable Neighborhoods*, *American Journal of Public Health*, ۹۳(۹): pp. ۱۵۴۶-۱۵۵۱.
- M. A. Casanova, T. A. S. Coelho, M. T. M. de Carvalho, E. T. L. Corseuil, H. Nobrega, F. M. Dias, and C. H. Levy. *The Design of XPAE - An Emergency Plan Definition Language*. In *IV Simposio Brasileiro de Geoinformática (Geo-Info' ۲۰۰۲)*. Caxambu, Minas Gerais, ۲۰۰۲.
- P. Mangan and S. Sadiq. *On Building Workflow Models for Flexible Processes*. In *ACM International Conference Proceeding Series - Proceedings of the Thirteenth Australasian Conference on Database Technologies (ADC'۲۰۰۲)*. volume ۵, pages ۱۰۳-۱۰۹, Melbourne, Victoria, Australia, ۲۰۰۲. Australian Computer Society, Inc. Darlinghurst.
- Westbrook, J.D. & Bourne, P.E. (۲۰۰۰). *STAR/mmCIF: an extensive ontology for macromolecular structure and beyond*. *Bioninformatics*, ۱۶ ۱۵۹-۱۶۸.
- Wilde, N. (۲۰۱۹). *Weird Allies? Kierkegaard and object-oriented ontology*. In: *Kierkegaard Studies Yearbook*, Vol. ۲۴, Issue ۱, De Gruyter pp. ۳۹۳-۴۱۳.
- Wolfendale, P. (۲۰۱۴). *Object-oriented philosophy—the Noumenon's new clothes*. *Urbanomic Media LTD, Falmouth*.
- Wood, D. (۱۹۹۸). *Thinking god in the wake of Kierkegaard*. In: Rée Jonathan, Chamberlain Jane (ed.) *Kierkegaard: a critical reader*. Blackwell Publishers, Oxford, pp. ۵۳-۷۵.
- Zacharias, J. (۲۰۰۱). *"Pedestrian Behavior and Perception in Urban Walking Environments"*, *Journal of planning Literature*, Vol ۱۶, No ۱, pp ۳-۱۸.